

گزارش ارتش آزادیبخش ملی ایران

جنایت علیه دشمن

فصل پانزدهم

نبرد یا تسلیم

گزارش ارتش آزادیبخش ملی در ۱۴ قسمت، درباره بخش پایانی اسطوره اشرف، به اطلاع هموطنانمان رسید؛ اما «حکایت همچنان باقیست».

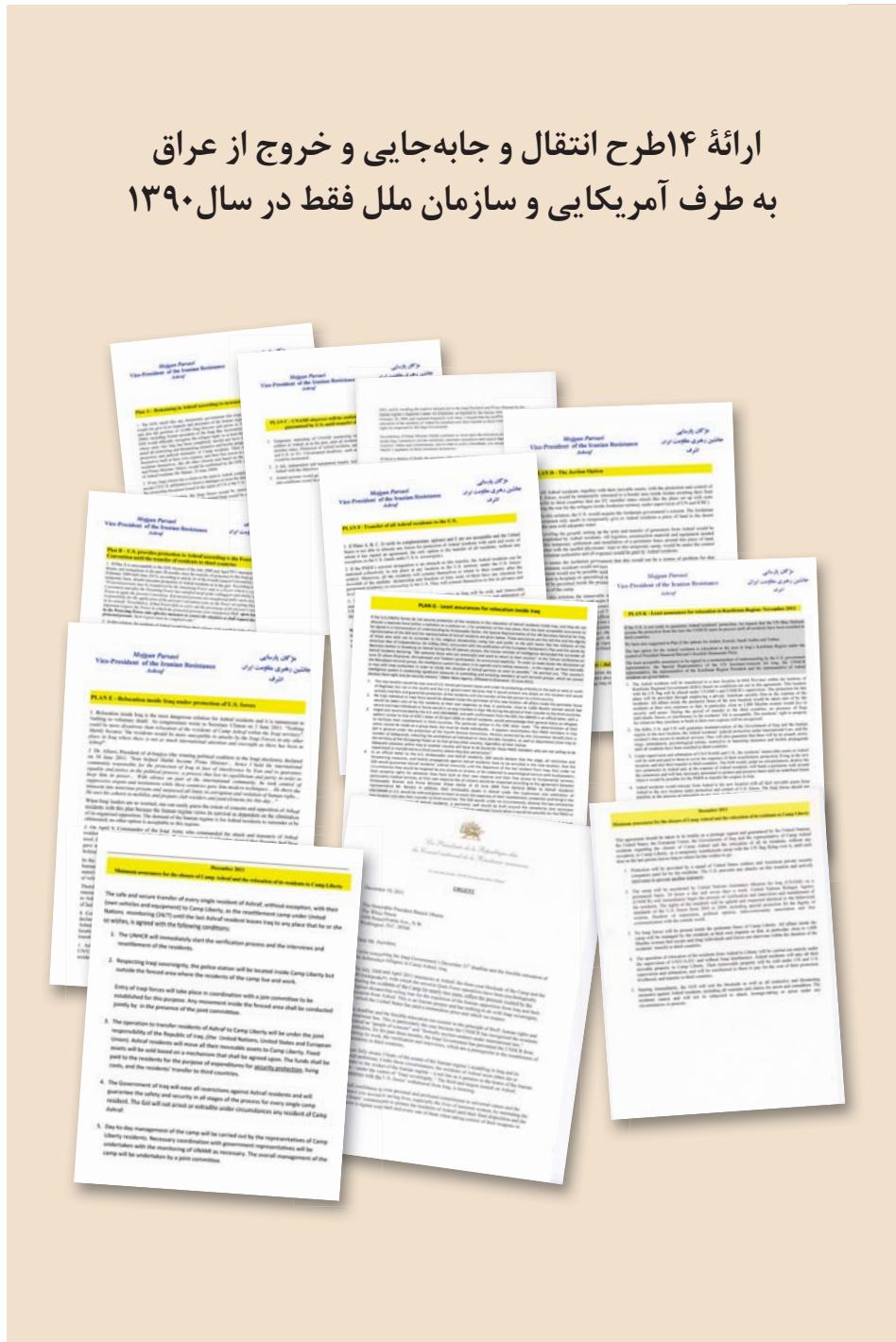
کارزار اشرف در لیبرتی و سراسر جهان و در داخل میهن اشغال شده کماکان ادامه دارد و این نبردیست تا پیروزی، به هر قیمت و با هر شدت...

سؤال پایه‌یی و بنیادین یکی بیش نیست: نبرد یا تسليم؟ آیا باید در برابر فاشیسم دینی و عوامل و عساکر آن، در هر رنگ و لباسی و تحت هر عنوانی سر فرود آورد یا باید ایستادگی پیشه کرد؟

هر کس که ذره‌یی شرافت و انصاف و آگاهی داشته باشد، به روشنی می‌داند که در پهنه‌های حقوقی و عرصه‌های سیاسی، مجاهدین در یک دهه گذشته، از هیچ چیز برای دست یافتن به یک راه حل مسالمت‌آمیز با نیروی اشغالگر عراق، با سازمان ملل و حتی با حکومت دست‌نشانده مالکی کوتاهی نکردند؛ اما در طرف مقابل، جز غدر و خیانت چیزی ندیدند.

بیش از ۵۰ نظریه و گزارش مستند حقوقی، ارائه ۱۴ طرح انتقال و جابه‌جایی و خروج از عراق به طرف آمریکایی و سازمان ملل، فقط در سال ۹۰، حمایت نزدیک به ۱۰ میلیون مردم ۱۸ سال به بالای عراق اعم از شیعه و سنی، حمایت نمایندگان منتخب بیش از یک میلیارد نفر از مردم جهان و حمایت ۱۵ هزار شهیدار در کشورهای مختلف اروپایی؛ اینها همه به روشنی نشان می‌دهد که آن‌چه طی یکدهه مجاهدان اشرفی گفته و می‌گویند تا کجا برق و عادلانه است.

ارائهٔ ۱۴ طرح انتقال و جابه‌جایی و خروج از عراق به طرف آمریکایی و سازمان ملل فقط در سال ۱۳۹۰



مردم ۱۸ سال به بالای عراق اعم از شیعه و سني حمایت نزدیک به ۱۰ میلیون



حمایت نمایندگان منتخب بیش از یک میلیارد نفر از مردم جهان و حمایت ۱۵ هزار شهردار در کشورهای مختلف اروپایی

فراخوانی بین المللی برای حفاظت از اشراف، به رسمیت شناختن مقاومت ایران و برقراری گفتگو با شورای ملی مقاومت ایران

حمایت بیش از ۰۰۰ نماینده پارلمان از ۴۲ کشور در ۵ قاره، از طرف بیش از یک میلیارد مردم جهان
اکثریت‌های آنجلس قاتولکلاری، اکبریت پارلمان اروپا و اکبریت مجمع پارلمانی شورای اروپا
شهرداران ۷۱۰۰ شهر در فرانسه، آنالیا و بلژیک



فراخوانی بین المللی برای حفاظت از اشراف، به رسمیت شناختن مقاومت ایران و برقراری گفتگو با شورای ملی مقاومت ایران



فرانسوا لوگاره: بفرمایید خانم رئیس جمهور این بیانیه ۵۰۰۰ شهردار فرانسه است

سناتور دیرک کلاس، شهردار شهر روتسل و رهبر فراکسیون دموکرات مسیحی در سنا؛ و ما اینجا ۲۶۰ امضا داریم از شهرداران مناطق فلاندرن؛ والونی؛ بروکسل؛ شرق کشور و جاهای دیگر.

یکی از شهرداران: خانم رئیس جمهور از طرف کمیته، امضا و حمایت ۵۵۰۰ شهردار فرانسه در حمایت از ساکنان اشرف را به شما تقدیم می‌کنم.

دومینیک کورته، شهردار کورنو اسونیو در ایتالیا: اکنون من کتاب این اسناد را تقدیم می‌کنم که شامل امضاهای بیش از ۱۵۰۰ تن از شهرداران ایتالیایی در حمایت از شهر اشرف است

فرانسوا لوگاره، شهردار منطقه اول پاریس ۷ دسامبر ۲۰۱۳ (۱۳۹۲ آذر ۱۶)

«هم‌زمان با بیانیه اعضای پارلمان و روشنفکران فرانسوی، کمیته شهرداران فرانسه که از حمایت ۱۳ هزار شهردار فرانسوی و منتخبین فرانسه برخوردار است، پیامی به دولت فرانسه و از این طریق به اتحادیه اروپا و سازمان ملل فرستاد که به فوریت اقدام کنند تا از اعدامهای جمعی و خودسرانه در ایران جلوگیری شود و ۷ گروگان ایرانی که به وسیله نیروهای عراقی دستگیر شده‌اند، آزاد شوند. همچنین یک تحقیق مستقل و فوری توسط سازمان ملل گشوده شود تا مسئولین جنایت را به دست عدالت بسپارد. ۳۰۰۰ عضو اپوزیسیون ایرانی پناهنه در کمپ لیبرتی در عراق مورد حفاظت قرار بگیرند و آنان را از حداقل موازین امنیتی مطمئن سازند. سکوت و بی‌عملی، زمینه را برای جنایت دیگر آماده می‌کند. این بیانیه به وسیله کمیته شهرداران فرانسوی در حمایت از کمپ لیبرتی امضا شده است.»

گزارش مستند حمله به اشرف

مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران

۲۰ سپتامبر ۲۰۱۳ (۹۲ شهریور)

«از فردای حمله آمریکا به عراق و اشغال این کشور، موضع رسمی اشرفیها و مقاومت ایران که بارها به مقامها و فرماندهان ارتش آمریکا گفته شد، این بود که اگر حاکمان عراق با ادامه حضور مجاهدین مخالفند، ما پیوسته آماده‌ایم که این کشور را ترک کنیم. گفتند که حاضریم همین امروز همگی با هواپیما به آمریکا یا اروپا منتقل شویم.

بعد از آن‌هم در خلال سال ۲۰۱۱، اشرفیها ۱۴ طرح برای انتقال از اشرف ارائه کردند: از پذیرش طرح پارلمان اروپا تا رفتن به قطعه زمینی در اردن یا سایر کشورهای همسایه تا انواع گزینه‌های دیگر؛ اما همه این طرحها بر اثر کارشناسیهای رژیم آخوندها و دولت وابسته‌اش در عراق و تسليمشدن آمریکا در مقابل شانتاژهای رژیم مسکوت ماند. در قدم بعدی، اشرفیها از حقوق قانونی خود برای انجام مصاحبه‌های پناهندگی در اشرف، صرف‌نظر کردند. سپس پذیرفتند که خانه ۲۶ ساله خود را در اشرف ترک کنند.

اما صورت مسئله این نیست. من بارها گفته‌ام و باز هم این‌جا تکرار می‌کنم که: "خواست واقعی رژیم آخوندی این نیست که مجاهدین، اشرف یا عراق را ترک کنند. هدف رژیم، نابودی فیزیکی مجاهدین یا تسليم آنهاست. گزینه سومی در کار نیست".».

پس، مسئله اساسی، هیچ چیز جز نبرد یا تسليم در برابر فاشیسم دینی و مهره‌ها و سرانگشتان و امدادرسانان آن نبوده و نیست. این همان صورت مسئله ایران، همان حکایت باقی و همین خون جاری دوران در اشرف و لیبرتی و جای جای ایران‌زمین است.

این جاست که دو جبهه سراپا متعارض، رو در رو و چنگ در چنگ برجسته و بارز می‌شود.

در قسمت دهم این گزارش دیدیم که سخنگوی ولی فقیه ارجاع، باز دیگر تکرار کرد که مجاهدین خط قرمز نظام و یکی از سنگ ممحكمة اساسی برای ارزیابی میزان صداقت اروپا و آمریکا در رابطه با رژیم هستند.

کیهان ولی فقیه ارجاع: مجاهدین خط قرمز نظام و یکی از سنگ ممحكمة اساسی برای ارزیابی میزان صداقت اروپا و آمریکا

۹۲ شهریور

این خط قرمز تنها از آن باند غالب ارجاع حاکم بر ایران نبوده و نیست. آخوند خاتمی در اردیبهشت ۱۳۸۲ پس از خاتمه جنگ در عراق و بمبارانهای متمرکز همه قرارگاههای ارشاد آزادبخش هنوز از آمریکاییها «هل من مزید» می طلبید و می گفت: «ما انتظار داشتیم که از سوی آمریکا حمله‌یی علیه این گروه که مخفوقترین و بدترین تروریسم را مرتکب شده است، صورت گیرد. طوری که صداقت آمریکا را در ادعایش نشان دهد».







خواهی‌پنده‌کار و آرزوی‌های فاکتمانده

خرابی: حانمه دادن به فعالیتهای گروهکهای تروریستی در مناسبات آئین کننده خواهد بود

خرابی، وزیر خارجه رژیم آخوندی، در روز سفر خاتمی به اینالیا (۱۸ اسفند) بهood مناسبات با سایر کشورها را به خوبی برخورد نمی‌نمود. بهood مناسبات با مجاہدین مریوط داشت. به گزارش رادیو رژیم، خرابی در دیاره فعالیتهای گروهکهای تروریستی در کشورهای اروپایی گفت: «تفلماً یکی از انتظارات ما از کشورهای اروپایی این است که آنهایی تروریسم را بدون تعیین و در همه اشکال آن محکوم کنند و به طور مشخص به فعالیت آنان در خالق خود شناسه دهند».

وی تأکید کرد: «این موضوع یکی از معیارهای جدی ارزیابی ما از سیاست مساقات کشورهای اروپایی در برخورد پی طرفانه با مسأله تروریسم است که در مناسبات آئین کننده خواهد بود».

گزارش مستند حمله به اشرف

در سال ۱۳۷۷ نیز، خرازی وزیر خارجه رژیم در نخستین سفر آخوند خاتمی به ایتالیا به صراحت خواهان خاتمه دادن به فعالیت مجاهدین در کشورهای اروپایی شد و آن را یک معیار جدی و تعیین‌کننده از میزان صداقت کشورهای اروپایی در مناسبات آتی رژیم با آنها اعلام کرد.

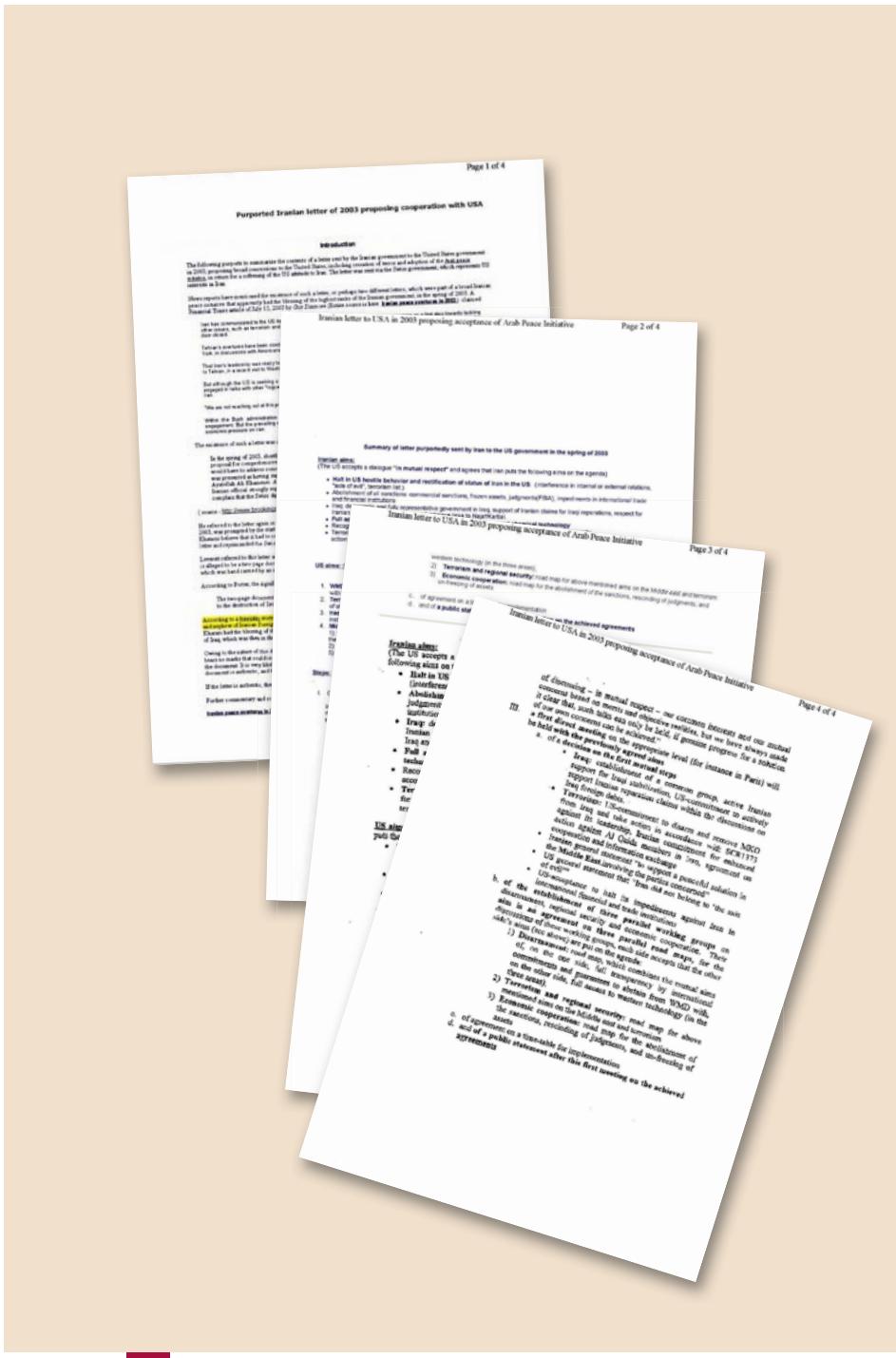
خاتمی در سال ۷۷ و هم در ۷۸ در مورد مجاهدین از «بزرگترین موج تروریسم تاریخ» و «سهمناکترین توفان تروریسم» نزد خارجیان شکایت می‌کرد. قبل از او هم رفسنجانی، در نامه ۷ صفحه‌یی اسفند ۷۱ به رؤسای دولتها ای اروپایی، از مجاهدین و مقاومت ایران شکایت کرد و نوشت:

«آیا ایران مجاز نیست به نیت دولتها که از تروریستهای مشهور حمایت می‌کنند؟
ابراز تردید کند؟»

از آن جا که سران رژیم به خوبی می‌دانستند که در مراوده و معامله با اجنبي، «بی‌مايه فطیر است»، خاتمی و خرازی پیشاپیش به آمریکا بفرما می‌زدند و می‌گفتند که «آتمسفر مثبت به وجود آمده در ایران را مغتنم شمارد». شبکه تلویزیونی سی.بی.اس که مخاطب سخنان خرازی بود، در آذر ۷۶ یعنی در همان ماههای اول روی کارآمدن خاتمی گفت:

«وزیر خارجه ایران می‌گوید که این کشور می‌تواند قراردادهای عظیم نفتی را به کمپانیهای آمریکایی پیشنهاد نماید، آن قراردادهای میلیارد دلاری که در حال حاضر نصیب کمپانیهای اروپایی می‌شوند» (۱۳۷۶ آذر ۲۴).

در همان سالها، آقامحمدی رئیس ستاد امور عراق در بیت‌العنكبوت خامنه‌ای که بعداً به معاونت رادیو تلویزیون رژیم گماشته شد، حرفش دربارهٔ مجاهدین آشکارا این بود که مجاهدین همانها هستند که «در اوایل انقلاب شاید حدود ۵۰۰ هزار میلیشیا سازمان دادند» (۷۸ اسفند ۲۵) و رفسنجانی می‌گفت «آن قدر قوی بودند در ایران که تظاهرات مسلحانه چندهزار نفری توی تهران برگزار کردند...». پس از خلع سلاح ارتش آزادیبخش نیز ترس و وحشت رژیم فروکش نکرد.



1111

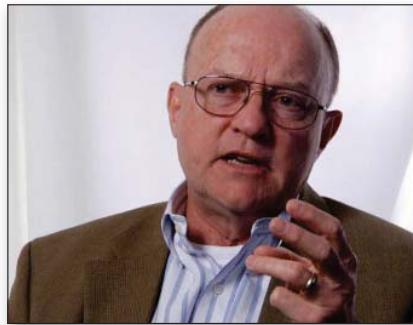
در سال ۱۳۸۵، رسانه‌های غربی اسناد به کلی سری مربوط به پیشنهادات رژیم ایران به آمریکا را برای سرکوب مجاهدین در عراق و استرداد آنها به رژیم ایران، فاش کردند. طبق این اسناد، رژیم در همان سال ۲۰۰۳، در یک نامه محترمانه اما بدون امضا از طریق سفارت سوییس در تهران که حافظ منافع آمریکا در ایران است، به وزارت خارجه آمریکا پیشنهاد می‌کند که رژیم ایران از حمایت از حزب‌الله در لبنان و از حماس در فلسطین دست برمی‌دارد و طبق نقشه مسیر آمریکا، در عراق هم به ایجاد ثبات کمک می‌کند؛ به شرط آن که واشنگتن تحریمها را علیه جمهوری اسلامی متوقف سازد و اعضای سازمان مجاهدین را به رژیم ایران مسترد کند.

نخستین بار در روز ۲۷ دی ۱۳۸۵ (۱۷ زانویه ۲۰۰۷) تلویزیون جهانی بی‌بی‌سی نامه محترمانه رژیم ایران به آمریکا را فاش می‌کند که در آن به صراحت درخواست منحل کردن سازمان مجاهدین خلق ایران به عمل آمده بود. بی‌بی‌سی گفت: «رژیم ایران در پی اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ برای آمریکا نوشته و طی آن پیشنهاد کرده بود به برقراری ثبات در عراق کمک کند، دست از حمایت نظامی از حماس و حزب‌الله بردارد و همچنین امکان دسترسی آزاد به تجهیزات هسته‌یی خود را فراهم کند؛ در مقابل از آمریکا خواسته بود به دشمنی با رژیم ایران پایان دهد، تمامی تحریمها را که علیه رژیم اعمال کرده، لغو کند و برای منحل کردن سازمان مجاهدین خلق وارد عمل شود».

بی‌بی‌سی جهانی همچنین فاش کرد:

«در سال ۲۰۰۱ که آمریکا به افغانستان حمله کرد، رژیم ایران و آمریکا هر دو در پی سرنگون شدن دولت طالبان بودند... یکی از پیشنهادهایی که مقامات بررسی کردند این بود که رژیم ایران و آمریکا درباره موجودیت سازمان مجاهدین خلق مذاکره کنند».

سرهنگ لارنس ویلکرسون، رئیس دفتر کالین پاول وزیر خارجه وقت آمریکا گفت که هر موقع در مورد همکاری رژیم ایران در موضوع القاعده صحبت می‌شد و این که ما هم باید جبران کنیم، «هر موقع که در مورد جبران کردن صحبت



می شد، اسم مجاهدین خلق به بیان می آمد و آشکار بود که ایرانیها از این سازمان نگرانی بسیار داشتند.»

رئیس دفتر کالین پاول افزود: «یکسال و نیم بعد، حمله آمریکا به عراق فرصت بهتری برای معامله فراهم کرد و این حمله، رژیم ایران را هشیار کرد. اندکی پس از حمله، رژیم

ایران یک نامه محترمانه برای دولت آمریکا فرستاد و پیشنهاد گفتگو داد. ما یک نسخه از این نامه را داریم. نامه امضا ندارد، اما وزارت خارجه آمریکا معتقد است که با تأیید بلندپایه ترین مقامات رژیم ایران فرستاده شده است.»

رئیس دفتر کالین پاول ادامه می دهد:

«هر روز صبح از دوشنبه تا جمعه معمولاً حدود ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه در وزارت خارجه جلسه داشتیم و یکی از سؤالاتی که تقریباً هر روز مطرح می شد این بود که با مجاهدین چه کنیم...».

ویلکرسون رئیس دفتر کالین پاول می گوید که ما فکر می کردیم وقت خیلی مناسبی برای معامله با رژیم ایران است «تصورم بر این است که وزیر امور خارجه و معاون وزیر خارجه هم همین طور فکر می کردند؛ اما وقتی این بحث به کاخ سفید و دفتر معاون رئیس جمهور رسید همان شعار همیشگی تکرار شد که ما با شیطان حرف نمی زنیم! که طبیعتاً شامل کره شمالی و تهران می شد و تا جایی که به من مربوط می شود، مایه شرمندگی است که در جواب آن نامه محترمانه فقط نامه بی به سوییسی ها داده شد و از گستاخی آنها برای طرح چنین پیشنهادی از طرف ایران انتقاد شد.».

تحقیقات مجاهدین در همان زمان از داخل ایران مشخص کرد که این نامه با توافق خامنه‌ای و خاتمی، با انشا و املای کمال خرازی، وزیر خارجه وقت رژیم، و کمک برادرزاده اش صادق خرازی، سفیر وقت رژیم در پاریس، تهیه شده و به

گزارش مستند حمله به اشرف

سفارت سوییس در تهران داده شده بود.

طرفه این که بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی در گزارش همین موضوع در اول بهمن ۱۳۸۵ خاطرنشان کرده است که مجاهدین در قلب صحراء با ۳۵۰۰ نفر نیروی باقی‌مانده در اشرف، به برنامه‌های فرهنگی و هنری روی آورده‌اند و «حتی رقص ایرلندی سبک خودشان را درست کرده‌اند...».

با این‌همه، حساسیت و خصوصیت رژیم با مجاهدین بی‌سلاح نیز به‌قدرتی بود که در اردیبهشت ۸۷ وال استریت‌زورنال نوشت:

«مقامهای ایرانی سال‌هاست که سرکوب سازمان مجاهدین را به یک اولویت در مذاکراتشان بر سر مسئله هسته‌یی یا موضوعات دیگر با کشورهای غربی تبدیل کرده‌اند. این موضوع براساس اظهارات چندین دیپلماتی است که درگیر در این گفتگوها بوده‌اند» (۲۰۰۸ مه ۷).

هم‌زمان ژنرال استون معاون فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق به مجاهدین



در اشرف گفت، چگونه است که در همه گفتگوهایی که ما با مقامات رژیم ایران داریم، بالاترین ترس و نگرانی آنها از مجاهدین خلق است، مگر شما به سر آنها چه آورده‌اید که تا این اندازه از شما نگران هستند و می‌ترسند؟

THE WALL STREET JOURNAL.

THE WALL STREET JOURNAL.
Iranian Dissidents Win U.K. Ruling
By MARC CHAMPION

May 7, 2008 2:25 p.m.

Britain's government lost a long-running battle to keep an Iranian dissident group on its list of terrorists, a change that could have implications for the group's treatment elsewhere and for already troubled relations between Iran and the West.

Wednesday's ruling by England's Court of Appeal means the U.K. government will now have to remove the Mujahedin-e-Khalq, or People's Mujahedin of Iran, from its terrorist blacklist. The MEK is also listed as a terrorist group by the European Union and the U.S.. The group's leaders said Wednesday they would use the U.K. court decision to challenge those blacklisting too.

Iranian officials for years have made suppression of the MEK a priority in negotiations with Western governments over Tehran's nuclear program and other issues, according to several diplomats who were involved in those talks. Iranian officials couldn't be reached for comment Wednesday.

The group, which has leftist roots, killed U.S. personnel in the 1970s, killed hundreds of Iranians within Iran in the 1980s and 1990s, and helped Iraq's late dictator Saddam Hussein put down a Kurdish rebellion in the wake of the first Gulf War in 1991, according to U.S. diplomats and State department reports.

Wednesday's court ruling in London, however, found that the U.K. government had "no reliable evidence," either public or classified, on which to base a finding that the MEK continues to be a terrorist. Evidence of an MEK attack blacklisted in Britain and achieve its goal of replacement.

"The government's top [officials] disappointed that the case Home Office minister is government would decide change."

The MEK has rebranded claimed that it was blacklisted by the government. In 2002, the program, providing data won support for its cause

The MEK has a wide following among former members of the disarmed military camp. Any significant support for the Iran-Iraq war is remembered.

The case that ended in London Wednesday was brought by 35 members of Britain's two houses of Parliament. "Those [Iranians] demanding democratic change now know they do not stand alone," said Lord Corbett, who led the British parliamentarians. "The British government and EU must now side with the Iranian resistance and the majority insistent upon freedom rather than those who have stolen it from them".

The EU's Court of First Instance ruled in December 2006 that the MEK had been wrongly added to the EU's terrorist blacklist, but EU governments have since refused to de-list the group. The EU listing could now become harder to sustain at the next regular review this summer, according to a European diplomat in Brussels familiar with the issue. EU officials have acknowledged the part that the MEK was blacklisted by the EU primarily on the basis of the U.K. threat assessment.

A spokesman for the EU's foreign policy high representative, Javier Solana, declined to comment on the implications of the British court decision. He said the EU has already addressed technical failings in the listing process identified by the European Court of First Instance. Blacklisting by the EU requires the bloc's 27 member states to freeze the MEK's assets and to increase police and judicial co-operation in relation to the group, he said.

گزارش مستند حمله به اشرف

جان سانو – گرامیداشت شهیدان قتل عام اشرف

وashiNgton ۱۴ اسپتامبر ۲۰۱۳ (۹۲ شهریور ۱۳۹۲)

«به طور مشخص نباید فقط تقصیر را به گردن رژیم ایران و عراق انداد. دولت آمریکا نیز مقصراست. همان‌طور که فرماندار ریچ به صراحت گفت، این مایه خجالت ماست.

... این اقدام یک نیروی نظامی کلاسیک نیست. اینها قاتلان بی‌رحمی بودند. آنها اطلاعات قبلی از اهدافشان داشتند. آنها به طور دقیق می‌دانستند که دنبال چه کسی باید بروند. آنها برای هدف قراردادن فرماندهی اقدام کردند. حالا، اینها چرا اقدام به این کار کردند؟ من فکر می‌کنم که یک نمونه روشن این است که رژیم ایران و مالکی، من او (مالکی) را جزو این گروه می‌گذارم. او فقط یک عروسک خیمه‌شب بازی است. سازمان مجاهدین خلق ایران تنها تهدید برای بقای رژیم حاکم بر تهران است.

... اما الان، سازمان مجاهدین خلق ایران کماکان تنها تهدید بزرگ برای ادامه حیات رژیم آنهاست و ایالات متحده و کشورهای دیگر جهان در حال فریب‌خوردن هستند.

... تنها چیزی که من از تجربه شخصی ام دارم، این است که وزارت اطلاعات رژیم ایران تنها زبان قدرت و پتانسیل استفاده از زور را می‌فهمد. رژیم ایران و عراق در این حمله چنین کاری نکردند، چرا؟ به خاطر این‌که این تصاویر از آن‌جا خارج شود. می‌خواهند که جهان بداند؛ چرا آنها این کار را می‌کنند؟ چون فکر می‌کنند که می‌توانند مجاهدین را بترسانند. ولی آنها اشتباه می‌کنند. این امر مجاهدین را فقط قوی‌تر می‌کند. این فقط باعث انگیزش نه تنها مجاهدین، بلکه تمامی مردم ایران خواهد شد، انگیزش برای حرکت به سوی یک ایران آزاد و دموکراتیک. تا در نهایت به پاخیزند و این رژیم ناکارآمد و سرکوبگر را سرنگون کنند.

... اگر به خاطر سازمان مجاهدین خلق ایران نبود، اگر به خاطر انسانهای شجاعی که جانهایشان را فدا کردند و انسانهای شجاعی که هنوز فداکاری می‌کنند، نبود، ما در ایالات متحده آمریکا، اطلاعات کمتری در مورد آن‌چه که در جریان است می‌داشتمیم.

این شمه‌بی از ابعاد یک نبرد تاریخی و سرنوشت‌ساز بین رژیم ولایت‌فقیه از یک طرف و مقاومت خلق و مجاهدین خلق از طرف دیگر است. مقاومت و مجاهدتی که اعتبار و شرافت ایران و ایرانی را در دوران معاصر در برابر فاشیسم دینی و پشتیبانان و سرانگشتان آن بازتاب می‌کند.

در سالهای بعد از جنگ کویت که رژیم آخوندی پروژه پنهان تسلیحات کشتار جمعی و برنامه هسته‌بی خود را آغاز کرده بود، با تاکتیک «تعل وارونه»، هیچ فرصتی را برای متهم کردن مجاهدین به پنهان کردن تسلیحات کشتار جمعی عراق در قرارگاههای ارتش آزادبخش از دست نمی‌داد.

در این روزگار، مجاهدین و مقاومت ایران با افشاگریهای پیاپی، از تأسیسات و برنامه تسلیحات کشتار جمعی رژیم خبر می‌دادند.

در این زمان، رژیم با تمام قوا به متهم کردن دولت سابق عراق و مجاهدین مبادرت می‌کرد و در این رابطه تمامی عوامل خود، از قبیل چلبی و باقر حکیم و عبدالعزیز حکیم و محسن حکیم را هم به کار گرفته بود تا طرف آمریکایی را به حمله به عراق و اشغال این کشور متقادع کنند.



Newsweek

Questions And Answers: Iraqi Opposition Leader Seyyed Hakim

Iran-Based Hakim Opposes Saddam Hussein But Is Cautious About International Intervention
Vs. Internal Rebellion
By Maziar Shahriari | Newsweek Web Exclusive
Dec 26, 2001

Do you receive military and financial help from Iran? Iran has welcomed us as its guests and we are thankful for it. How about military and financial support? Iran has political relations with Iraq, it doesn't interfere in Iraq's internal affairs and respects international laws in its relations with Iraq.

But there have been attacks against People's Mujahedin [an Iraqi-based Iranian military opposition group] inside Iraq's territory. Last summer there was an attack against their offices in Baghdad. There were reports that Iran financed these attacks and they were carried out by SCIRI forces. The mujahedin [hypocrites, a Quranic term used by the Iranian government to describe the mujahedin] helped Saddam suppress Shiite and Kurdish uprisings in 1991. For the opposition forces inside Iraq the muafiqin is a legitimate target. People of Iraq hate them and according to recent reports Saddam is planning to use the muafiqin in case of a future uprising. But those forces that attack the muafiqin inside Iraq are not supported by Iran. The government of Iran doesn't even allow our forces to cross the border. The fact of the matter is that Saddam is trying to use the muafiqin as a bargaining chip in the relations with Iran. He doesn't want us in Iran. He wants us to leave for Europe or somewhere else in world and cut our close ties with the people inside Iraq.

مصاحبه آخوند حکیم
با نیوزویک
۲۶ دسامبر ۱۹۹۹

نامه از ازدی، هفدهم (دابل همراه) به شهادت رسنی، سوزان احمدی، احمدیان، ملک بخش، سیده زینه

ایران: نقش حقوق بشر و آزادیهای اساسی

بروزهای اتفاقی و تسلیحات شبیه‌ای و میکروبی رژیم پلید آخوندی

گزارش کمیسیون تحقیقات دفاعی و استراتژیک شورای ملی مقاومت ایران

کفار ایزگ مذکووهاین تمامی‌گی شورای ملی مقاومت در آمریکا

زندگی از این ایام در این کشور

قسمتی از پاسخ مجاهدین به نیوزویک

۲۰۰۱ دسامبر ۲۸

پیشتر از این، آخوند حکیم اعلام کرده بود که از سال ۱۹۹۱ «سیاست ما نسبت به منافقین عوض شد» و «از آن زمان به تهاجمات نظامی علیه مجاهدین دست زده‌ایم» (خبرگزاری دولتی ایستا ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۰).

حملاتی که توسط وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران آخوندها سازماندهی شده و به ۱۳۴ فقره می‌رسد و قربانیان بسیاری، بهخصوص در میان شهروندان عادی و پناهندگان بیگناه، بر جای گذاشته است. نام کامل و رسمی ارگان نظامی آخوند حکیم «سپاه ۹ بدر پاسداران انقلاب اسلامی» که تحت امر نیروی تروریستی ملایان به نام «سپاه قدس پاسداران انقلاب اسلامی» عمل می‌کند، روشنگر این حقیقت است که هیچ موجودیت جداگانه‌یی از رژیم آخوندها وجود ندارد. ادعای این که تهاجمهای تروریستی علیه مجاهدین ایران در منطقه مزدی و در داخل خاک عراق توسط «مردم عراق» انجام می‌شود، تنها در خدمت توجیه حملات دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران است.

در ۱۲۳ آوت ۲۰۰۰، آخوند یونسی وزیر اطلاعات رژیم گفت: «ما به دست مردم عراق از منافقین انتقام خواهیم گرفت... و منافقین در آینده متحمل ضربات سنگینی خواهند شد». موجی از بمیگذاریها و عملیات تروریستی علیه مجاهدین و پناهندگان ایرانی در عراق، در پی این اظهارات به خوبی نشان داد که منظور از «مردم عراق» کسانی جز تروریستهای صادراتی و مزدوران اطلاعات و سپاه پاسداران آخوندها نیستند.

«مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق»، به دستور خمینی تأسیس و خامنه‌ای (دیکتاتور مذهبی کنونی در ایران) مأمور تنظیم اساسنامه آن گردید. در بند اول بیانیه تأسیس به تاریخ ۱۷ نومبر ۱۹۸۲ که توسط آخوند حکیم اعلام شد و همزمان در روزنامه‌های رسمی ملایان منتشر گردید، «جهاد علیه امپریالیسم» تا «برپایی حکومت اسلامی» در عراق، خطمشی آن شناخته شده است. متعاقباً

آخوند هاشمی «سخنگوی مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق» که اکنون با نام «آیت‌الله شاهروodi» رئیس قوه قضاییه در رژیم آخوندی است، تصريح نمود که پیام آنها برای مردم عراق «اطاعت محض از رهبری امام خمینی» است و این‌که «کاملاً تسلیم نظرات مبارک» باشند (رسالت ۳ اکتبر ۱۶۷۸).

آخوند حکیم که بیعت او با خامنه‌ای به عنوان «ولی امر مسلمین جهان»، امر اعلام شده‌بی است، دو سال و نیم پیش نیز اعلام کرد: «مجلس اعلای، قانون آن و اساسنامه آن زیر نظر ولی فقیه شخصاً و با نظر امام امت ریخته شده است» (روزنامه بدر ۲۰ ژوئن ۱۹۹۹).

در ادامه همین جوابیه، تاکتیک نعل وارونه رژیم آخوندی برای متهم کردن مجاهدین افشا شده و آمده است:

درباره این قبیل پیشستی‌های وقیحانه ملایان، یادآوری می‌کنیم که در سال ۱۹۹۰ پروفسور کاظم رجوی را در زنو ترور کردند و سپس تلاش کردند مسئولیت آن را متوجه خود مجاهدین کنند. در سال ۹۴ نیز سه کشیش مسیحی را به فجیع ترین صورت کشتن و تلاش کردند مسئولیت را به گردن مجاهدین بیندازند.

آخوندها در دو دهه گذشته بیش از ۴۵۰ جنایت تروریستی در خارج از خاک ایران مرتکب شده‌اند. انفجارهای سال ۸۳ در بیروت، گروگانگیری و قتل اتباع خارجی در لبنان، انفجارهای آرژانتین، انفجار خوب، دهها فقره هواپیماربایی، کشتار مردم بیگناه در خیابانهای پاریس در سال ۸۶، کشتار زائران خانه خدا در مکه در سال ۸۷ و ترور مخالفان و فعالان مقاومت ایران در سوییس، فرانسه، ایتالیا، آلمان، اتریش، ترکیه، پاکستان، عراق و قبرس، شمه‌بی از کارنامه ملایان است که با ۱۲۰ هزار اعدام از مجاهدین و نیم‌میلیون زندانی سیاسی شکنجه شده و قتل عام ۳۰ هزار تن از آنان و سنگسار و قطع دست و از حدقه درآوردن چشم و اعمال ضدنسانی ترین تبعیضها علیه زنان و اقلیتهای مذهبی و قومی در ایران تکمیل می‌شود. جنایتها بی که به راستی سزاوار رسیدگی در یک دادگاه بین‌المللی است و با برچسب «تروریسم» و «نفاق» و «بدتر از کافر» علیه جنبش مقاومت برای دموکراسی در ایران، رفع و رجوع نمی‌شود».

افشای فریبکاری

و بزرگترین عملیات جاسوسی رژیم دجال آخوندها برای کشاندن آمریکا به جنگ در عراق

در ۲۰۰۴مه ۲۵ (خرداد ۱۳۸۳) تقریباً یکسال پس از خاتمه جنگ زمینی در عراق، روزنامه لس آنجلس تایمز درباره تمامیت این جنگ فاش کرد: «ایرانیها با فریب‌دادن آمریکا یکی از بزرگترین عملیات جاسوسی تاریخ معاصر جهان را انجام داده‌اند. براساس گزارش‌های مطبوعاتی، بهنفل از منابع آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا، این آژانس معتقد است که برنامه جمع‌آوری اطلاعات احمد چلبی (رئیس) کنگره ملی عراق برای سرویس اطلاعاتی ایران یک پوشش بوده است. این برنامه با این اتهام مواجه است که وی در حالی که اطلاعات محربانه آمریکا را به ایرانیان می‌داده به طور همزمان اطلاعات غلط ایرانیها را به آمریکاییها برمی‌گردانده است. هدف از این کار، تحریک حمله آمریکا علیه صدام حسین، مرگبارترین دشمن منطقه‌یی ایران بوده است و از آنجا که آمریکا میلیون‌ها دلار صرف این برنامه (چلبی) کرده، واشنگتن عملیات فریب ایران را تأمین مالی کرده است».

در همان روز ساندی تایمز با اشاره به اطلاعات افشا شده در آمریکا نوشت: «یک روزنامه آمریکایی گزارش کرد که ممکن است کنگره ملی عراق سالها توسط دستگاه اطلاعات ایران مورد استفاده قرار می‌گرفته تا "اطلاعات نادرست را" به ایالات متحده آمریکا رد کند و یک حمله علیه صدام را تحریک کند. نیوزدی گفت که آژانس اطلاعاتی دفاع (دی.آی.ای) به این نتیجه رسیده که چلبی با دادن اطلاعات سری طی دیدارش از تهران «ایرانیان» را از عملیات نظامی آمریکا در عراق «باخبر نگاه داشته» بود.

پاتریک لانگ، مدیر سابق اطلاعات نظامی آمریکا در خاورمیانه گفت: اطلاعات کنگره ملی عراق درباره برنامه تسليحاتی تصوّرشده صدام، ممکن است یک

Advertisement

SAVE FROM 50%

Offer valid through 21 January 2014. Depending on model & service and available inventory and subject to retailer's conditions.

Available at John Lewis **Shop Now**

Norton Securing the digital world

Member Center Alerts & Newsletters Jobs Cars Real Estate Rentals Weekly Circulars Local Directory Place Ad

Los Angeles Times

LOCAL U.S. WORLD BUSINESS SPORTS ENTERTAINMENT HEALTH STYLE TRAVEL OPINION ENTR HOLIDAYS

BREAKING PHOTOS VIDEO CRIME OBITUARIES WEATHER TRAFFIC CROSSWORDS SUDOKU HOROSCOPES APPS

Search

YOU ARE HERE: LAT Home -- Collections

Canadian Cruise
adventurecanada.com
Unique Expeditionary Cruise Trips Explore your world with our experts

Apply for a Job today
www.jobpost.com
FindEmployment enables job seekers to apply for a job instantly.

Learn 1000 Spanish Words
shortcuts2spanish.com
Learn Easy Spanish You Can Use Fast Learn 1000 Spanish Words Instantly

Advertisement

Commentary

Sometimes, It's a Simple Game of Spy Versus Spy

May 25, 2004 | Thomas Patrick Carroll | Thomas Patrick Carroll is a former officer in the clandestine service of the CIA. E-mail: tom.carroll@comcast.net.

The government of Iran is oppressive, corrupt, feared by its neighbors and increasingly hated by its own people. But let's give credit where credit is due — those ayatollahs surely know how to run a secret intelligence service.

According to press reports citing sources inside the U.S. Defense Intelligence Agency, the DIA believes the Information Collection Program of Ahmad Chalabi's Iraqi National Congress was a front for Iranian intelligence. The program stands accused of handing over secret U.S. intelligence to the Iranians while at the same time passing Iranian disinformation back to the Americans. The purpose, according to the charges, was to provoke a U.S. attack on Saddam Hussein, Iran's deadliest regional foe. And because the U.S. gave millions of dollars to the program, Washington funded the Iranian deception operation.

Commentary

Sometimes, It's a Simple Game of Spy Versus Spy

May 25, 2004 | Thomas Patrick Carroll | Thomas Patrick Carroll is a former officer in the clandestine service of the CIA. E-mail: tom.carroll@comcast.net.

The government of Iran is oppressive, corrupt, feared by its neighbors and increasingly hated by its own people. But let's give credit where credit is due — those ayatollahs surely know how to run a secret intelligence service.

According to press reports citing sources inside the U.S. Defense Intelligence Agency, the DIA believes the Information Collection Program of Ahmad Chalabi's Iraqi National Congress was a front for Iranian intelligence. The program stands accused of handing over secret U.S. intelligence to the Iranians while at the same time passing Iranian disinformation back to the Americans. The purpose, according to the charges, was to provoke a U.S. attack on Saddam Hussein, Iran's deadliest regional foe. And because the U.S. gave millions of dollars to the program, Washington funded the Iranian deception operation.

Human intelligence resources by relying on satellites and intercepts. We all know how well that worked. The techniques of human intelligence ("tradecraft," in the spy vernacular) are known to all: an organization with patience and forethought canning (the Iranian intelligence service, for instance) can achieve stunning results with good tradecraft and imaginative operations. U.S. technological advantages fade, and it becomes spy versus spy.

Unlike a purely military confrontation, this is a struggle the U.S. can definitely lose if it's not careful. And so it is with modern intelligence. As new technologies become more advanced, the more obvious being Al Qaeda. Our enemies don't have decisions to worry about or open societies to restrict them, and they are completely at home operating clandestinely. The U.S. intelligence community has many advantages over the Iran and Al Quedas of the world, and we would be foolish to trade our capabilities for theirs, even if we could. Nonetheless, the human game of espionage is played on a field that is far more level than Americans commonly suppose.

Visit Svalbard & Lofoten

www.polar-quest.com

Join us on a cruise in beautiful Norway, from Lofoten to Svalbard.

CIA Director George Tenet recently said it would take five years to get U.S. human intelligence capabilities up to fighting form. Congress needs to give Tenet the resources and support he needs, and then the president must demand results.

I'll never Speak Spanish

shortcuts2spanish.com
That's what I used to think. Until I discovered this.

Canadian Cruise

adventurecanada.com
Visit the Canadian Arctic with us 25 yrs of award-winning experience

Facebook Email Share G+ 0 Tweet 0

Facebook Email Share G+ 0 Tweet 0

گزارش مستند حمله به اشرف

عملیات اطلاعاتی رژیم ایران بوده تا سرنگون شدن یک همسایه مورد نفرت آن را تحریک کند...

جیم کوپر، نماینده کنگره از حزب دموکرات در تنسی، گفت، «این به نظر یک تحول اساسی در جنگ است، وقتی که یکی از معتمدترین و بالاترین مشاوران حقوق بگیر (ما) عمدتاً دولت ما را سالهاست منحرف می کرده، ممکن است بعضی از مقامات ما تماماً گول او را خورده اند».

سپس نیوزویک جاسوسی دو جانبی را همراه با عکس چلبی و آخوند خاتمی فاش کرد.

چلبی، جاسوس دوجانبه

نیوزویک - ۲۰۰۴ مه ۱۰

«احمد چلبی، برای مدت زیادی از سوی پنتاگون، برای رهبری عراق آزاد مورد پسند بود، او هیچ‌گاه رابطه نزدیک خودش را با ایران به صورت یک امر سری پنهان نکرده بود. قبل از حمله آمریکا به بغداد، شعبه دفتر کنگره ملی عراق مربوط به چلبی با هزینه ماهانه ۳۶ هزار دلار که توسط پرداخت‌کنندگان مالیات تأمین می‌شد، در تهران پایر جا بود.

نمایندگان کنگره ملی عراق از جمله چلبی، دیدارهای مرتبی از پایتخت ایران داشتند. از زمان جنگ، ارتباطات چلبی با ایران شدت یافت، یکی از دستیاران چلبی مطرح کرد که از دسامبر، او با بزرگترین رهبران مذهبی بالای ایران از جمله آیت‌الله علی خامنه‌ای و دستیار امنیت ملی او حسن روحانی ملاقات داشته است...

اما آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا، توجهات خودشان را حول این که چلبی رابطه خیلی نزدیکی با حاکمان ولایت‌فقیه ایران برقرار کرده، برجسته کردند. نیوزویک مطلع شد که مقامات رسمی اداره بوش، نسبت به اطلاعات بربیف شده‌اند که در آن نشان می‌دهد که چلبی و بعضی از دستیارانش اطلاعات حساس اشغال آمریکا در عراق را به ایران داده‌اند.

مقامات رسمی گفتند که شنود الکترونیکی صحبت‌های مقامات ایران، نشان می‌دهد که چلبی و افراد او طرح سیاسی آمریکا در عراق را به نفرات ایرانی داده‌اند. هم‌چنین نشانه‌هایی از انتقال (اطلاعات) جزئیات عملیات امنیتی آمریکا توسط چلبی به ایرانیها وجود دارد. براساس یک منبع دولت آمریکا، اطلاعاتی که چلبی به ایران تحویل داده است، می‌تواند "به کشته شدن مردم" منجر شود... پنتاگون هر ماه مبلغ ۳۴۰ هزار دلار مقرری به گروه چلبی می‌پردازد که از بودجه اطلاعات سری برای "جمع‌آوری اطلاعات" پرداخت می‌شود... یکی از دستیاران بوش می‌گوید که اگر زمانی حمایت چلبی در دولت به‌اندازه

گزارش مستند حمله به اشرف

یک کوه بیخ بود، "الآن مانند یک حبّه بیخ شده است." متعاقباً پل ولفوویتز، معاون وزارت دفاع آمریکا در برابر اعضای کنگره گفت وزارت دفاع ماهیانه ۳۴۰ هزار دلاری چلبی و گروه او را قطع کرده است. نیوپورک تایمز گزارش کرده بود، گروه آقای چلبی طی ۴ سال گذشته حداقل ۲۷ میلیون دلار از واشینگتن، دریافت کرده است.



Has Chalabi given 'sensitive' information on U.S. interests to Iran? He denies it, but the White House is wary.

A DOUBLE GAME

BY MARK ROSENBLATT

Ahmad Chalabi, the long-time Pentagon favorite to become leader of post-Iraq, has never made a secret of his close ties to Iran. Before the U.S. invasion of Baghdad, Chalabi's Iraqi National Congress maintained a \$36,000-a-month branch office in Tehran funded by U.S. taxpayers. INC represents Kurds, including Chalabi himself, and regular visits to the Iranian capital. Since the war, Chalabi's contacts with Iran may have intensified: a Chalabi aide says that since December, he has met with most of Iran's top leaders, including supreme religious leader Ayatollah Ali Khamenei and his top national-security aide, Hassan Rouhani. "Iran is Iraq's neighbor, and it is in Iraq's interest to have a good relationship with Iran," Chalabi's aide says.

But U.S. intelligence agencies have recently raised concern that Chalabi has become too close to Iran's theocratic rulers. Nowitzki has learned that top Bush administration officials have been briefed on intelligence indicating that Chalabi and some of his top aides have supplied Iraq with "sensitive" information on the American occupation in Iraq. U.S. officials say that electronic intercepts of discussions between Iranian leaders indicate that Chalabi and his entourage told Iranian contacts about American political plans in Iraq. There are also indications that Chalabi has provided details of U.S. security operations. According to one U.S. government source, some of the information Chalabi turned over to Iran could "get people killed." (A

Chalabi aide calls the allegations "absolutely false.") Why would Chalabi risk his easy ties to Washington by suddenly up to Iran's fundamentalist rulers? Administration officials say Chalabi may be working both sides in an effort to solidify his own power and block the advancement of real Iraqis. A U.S. official familiar with information presented to policymakers said that White House advisers were concerned that Chalabi was "playing tennis" with the Iranians. Yet Chalabi still has loyal defenders among some neoconservative voices in the Pentagon. They say Chalabi has provided information that saved American lives. "Rushing to judgment and cutting off this relationship could have unintended consequences," says one Pentagon official, who did not respond to questions about Chalabi's dealing with Tehran. Each month the Pentagon still pays his group a \$340,000 stipend, drawn from secret intelligence funds, for "information collection."

Still, the State Department and the CIA are using the intelligence about his Iran ties to persuade the president to cut him loose once and for all. Officials say that even some of Chalabi's old allies in Washington now see him as a liability. If Chalabi's support in the administration was once an asset, says one Bush aide, "it's now an ice cube."

BACK CHANNEL: Chalabi with President Khamenei in Tehran

PHOTO BY AP/WIDEWORLD

NEWSWEEK MAY 18, 2004

اکنون پس از یک دهه، باز هم رژیم و حکومت دست نشانده عراق، بر حمله و هجوم خود به مجاهدین می‌افزایند. ترس و وحشت رژیم نه فقط فروکش نکرده، بلکه افزایش یافته است. در قسمت دهم این گزارش دیدیم، سرکردگان و خرمهره‌های ریز و درشت نظام یکی پس از دیگری به صحنه آمده و اعدام ۵۲ مجاهد خلق و انفجارها و گروگانگیری در اشرف را به‌گفته خودشان، دارای «اهمیت رهبری بسیار وسیعی در تحولات آینده منطقه» و بسا بالاتر و مهمتر از «مرصاد» یعنی همان مقابله تاریخی مجاهدین با رژیم در عملیات کبیر فروغ جاویدان، به‌دلیل زهر آتش‌بس در جنگ ضدمیهنی، اعلام می‌کنند.

در عملیات فروغ جاویدان مجاهدین ۱۳۰۴ شهید دادند.

اکنون رژیم خودش به زبان معکوس گواهی می‌کند که در کارزار سرنگونی در اشرف، این‌بار هر شهید بسا بیشتر از ۲۵ مجاهد خلق در عملیات فروغ جاویدان برای رژیم ضربه‌زننده و خطرناک و خطرآفرین بوده است.

علاوه بر این رژیم، سرانگشتان خود در داخل و خارج کشور را هم از هر طرف بر سر و روی مجاهدین می‌ریزد تا مانند سی‌وچند سال گذشته بار دیگر از پایان مجاهدین و جنبش مقاومت خبر بدhenد و برای این رژیم ثبات و تثبیت‌شدگی بخrend و در یک کلام بگویند که این رژیم جایگزین و آلترناتیوی ندارد و باید با آن ساخت.

اشتباه کردن که با رژیم خمینی که هر چند مرتاجع بود اما «مشروعیت داشت» درافتادند و در برابر آن، ایستادگی و جنگ و مقاومت پیشه کردن!

اشتباه کردن که به عراق رفتند و تنور جنگ ضدمیهنی را گل گرفتند!

اشتباه کردن که ارتش آزادیبخش برپا کردن و باز هم تیمها و دسته‌ها و یکانهای ارتش آزادی را به آمادگی و برپایی فرا می‌خوانند!

اشتباه کردن که وقتی تعادل قوا در عراق تغییر کرد فرار را برقرار ترجیح ندادند!

اشتباه کردن که در برابر «دولت منتخب» نوری مالکی تن به خفت و تسلیم ندادند و بر حقوق خود و خلقشان پای فشردند!

گزارش مستند حمله به اشرف

اشتباه کردند که برای جنبش و ضد جنبش و برای خلق و ضد خلق و همدستی و هم خطی با فاشیسم دینی و همه باند هایش و برای هر گونه ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با گشتاپوی آخوندی مرز سرخ و خط قرمز عبور ناپذیر قائل شدند! اشتباه کردند و اشتباه می کنند که وعده و نوید و شعار سرنگونی می دهند و برای خود تعهد سرنگونی قائل شده اند!

اشتباه کردند و اشتباه می کنند که می گویند پناهندۀ سیاسی نباید به ایران برود! چه کسی گفته است که پناهندۀ سیاسی و مدعی مبارزه با این رژیم، نباید به دامان آن بخزد و از سفارت رژیم ویزا بگیرد و به ایران برود؟! نتیجه این که: مجاهدین «صد البته» بدتر از این رژیم و همین رژیم «صد البته» بهتر از مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران است!

در منتهای لثامت و پستی، اعتصاب غذای پس از اعدام جمعی و گروگانگیری را هم به سخره می گیرند، بی فایده می دانند و محکوم می کنند. گوییا که مجاهدین و یاران اشرف و ایرانیان آزاده، باید مانند کاربران نظام، همچون خوک سر در مزبله رژیم کنند. باید در برابر کشتار و گروگانگیری، در برابر جنایت بزرگ علیه مقاومت و مردم ایران و علیه تمام بشریت، نه تنها بی تفاوت بمانند، بلکه نشئه از خون مجاهدین، از گیسوان خواهر ایمان، رشتۀ تازیانۀ جlad بباشد و از استخوان و دندانهای شکسته برادر ایمان، نگین به دستۀ شلاق خود کامگان بنشانند.



گزارش مستند حمله به اشرف

شهرام عالیوندی

(از شاهدان صحنه قتل عام ۱۰ شهریور در اشرف):

این جا محل شهادت مجاهد قهرمان بهروز فتح‌الله‌نژاد است، برادر بهروز توسط دو مزدور عراقی دستگیر شده بود و از پشت به او دستبند زده بودند و او را از این سمت کشان‌کشان با دست بسته به آن سمت می‌بردند. همین‌طور که مشاهده می‌کنید در محل شهادت بهروز فتح‌الله‌نژاد جلیقه خون‌آلودش، دستبندی را که به او زده بودند، پوکه گلوله‌یی که به سرش شلیک شد و دندان مصنوعی‌اش که آن‌هم مورد اصابت گلوله قرار گرفته، مشاهده می‌شود.

مریم رجوی کنفرانس بین‌المللی رم - ۱۳۹۲ آذر ۲۸

«به جبهه رژیم ولایتفقیه و ریزه‌خوارانش باید گفت: هرچه می‌خواهید مقاومت و تسلیم‌ناپذیری را به‌سخره بگیرید. ولی برای ما بیداری و جدانها کافی است، برای ما به‌میدان آمدن نیروی عدالت کافی است و برای ما شور و برانگیختگی جوانان و اشرف‌نشانها در سراسر ایران و موج حمایت و همبستگی زندانیان سیاسی کافی است.

به قول زنده‌یاد شاملو؛

سنگهای زندانم را به‌دوش می‌کشم

بسان فرزند مریم که صلیبیش را،

ونه بسان شما

که دسته شلاق دژخیمتان را می‌تراشید

از استخوان برادرتان.

و رشتہ تازیانه جلاعتان را می‌بافید

از گیسوان خواهرتان.

و نگین به دسته شلاق خودکامگان می‌نشانید

از دندانهای شکسته بدرتان»

«مخالف رژیم و منتقد مجاهدین» ترفند مبتذل و تکراری اطلاعات آخوندی

فاشیسم دینی، به موازات حمله و کشتار مجاهدین، برای زمینه‌سازی و صاف کردن جادهٔ جنایت و هم برای انهدام جنبش مقاومت و تنها جایگزین دموکراتیک، تحت پوششهای مختلف نیازمند بازگشودن یا فعال کردن جبههٔ متحد ارتقای و ولایت‌فقیه علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران است. این امر البته تازگی ندارد و حتی قبل از ۳۰ خرداد و آغاز مقاومت انقلابی، ارتقای برای تخطیه کردن یا انشقاق و انشعاب در مجاهدین از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کرد.

در ابتدای سال ۱۳۵۸ خمینی با گرداوردن چندین محفل و گروهی که متعاقباً به خدمت سپاه و اطلاعات او درآمدند، برای مخدوش کردن نام مجاهدین چیزی را به نام «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» تحت نظر آخوندی به نام راستی که کنترل سیاسی و ایدئولوژیکی آنها را به‌عهده داشت، علم کرد. پس از آن هم ارتقای به طور مستمر و در هر فرصتی به «وجود اختلاف و انشعاب در سازمان مجاهدین» دامن می‌زد.

سردار خیابانی در همین باره در آبان ۱۳۵۸ در یک گفتگو با نشریهٔ مجاهد به تشریح این موضوع پرداخت که «چه کسانی به شایعه وجود اختلاف و انشعاب در سازمان مجاهدین خلق دامن می‌زنند؟».

او این‌قبيل شایعه‌سازیها و دروغپراکنیها را روشهای شناخته‌شدهٔ جریانهای انحرافی و ارتقایی توصیف کرد. سردار خیابانی افزود:

«اگر چنان‌که کسی حداقل آشنایی لازم را با سازمان ما داشته باشد، متوجه خواهد شد که "جناح‌بندی و انشعاب" ابله‌انه‌ترین چیزی است که می‌شود به سازمان مجاهدین نسبت داد، خصوصاً باید توجه کرد که ما تجربهٔ عظیم ضربهٔ اپورتونیستهای چپ‌نما را پشت‌سر گذاشته‌ایم. تجربه‌یی که ما را نسبت به این‌قabil

گزارش مستند حمله به اشرف

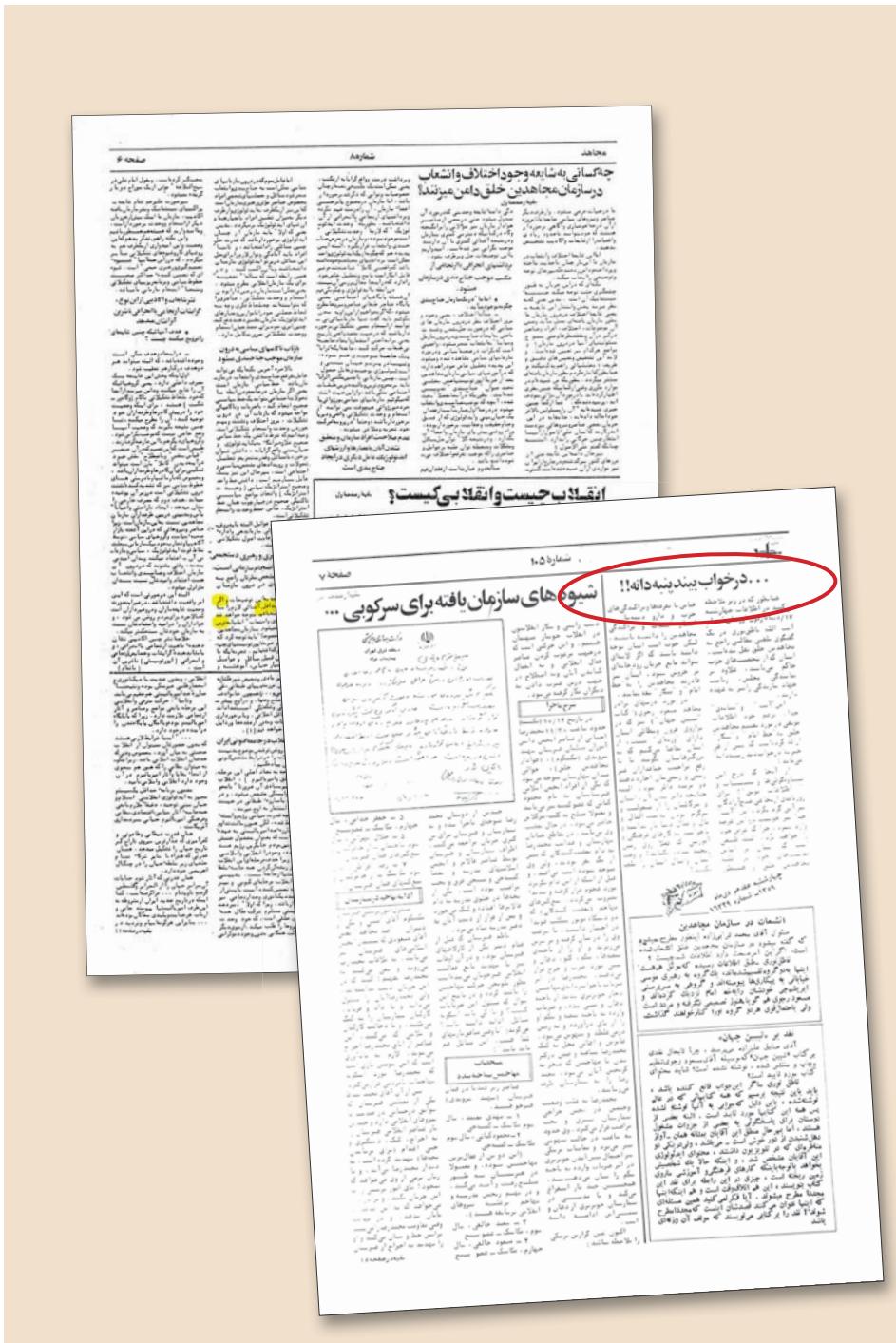
مسائل و عوامل موجوده آن، بسیار حساس، آموخته و سختگیر کرده است و به قول امام علی در نهج البلاعه مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود...».

نمونه‌ی دیگر مربوط به آخوند ناطق‌نوری است که در ۱۷ دی ۱۳۵۹ تحت عنوان «آیت‌الله ناطق‌نوری» در روزنامه اطلاعات خمینی ادعا کرد که طبق اطلاعات «موثق» مجاهدین به دو گروه تقسیم شده‌اند.

«یک گروه به رهبری موسی خیابانی به پیکاریها پیوسته‌اند و گروهی به سرپرستی ابریشمچی خودشان را به خط امام نزدیک کرده‌اند و مسعود رجوی هم گویا هنوز تصمیم نگرفته و مردد است ولی به احتمال قوی هر دو گروه او را کنار خواهند گذاشت...».

نشریه مجاهد در همان زمان به آخوند ناطق‌نوری پاسخ داد که: شتر در خواب بیند پنبه‌دانه.





پس از شروع مقاومت مسلحانه انقلابی در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، رژیم به غایت تلاش کرد که با کمک عناصر نادم و تواب، در برابر مجاهدین، انواع و اقسام بختکها و محافل و جریاناتی را تحت عنوانی مختلف، زیر نظر دادستانی ارتقای و بعداً زیر نظر وزارت اطلاعات به راه بیندازد. واضح است که بختکها و شکارچیان انسان از پوششها و سناریوهای متعدد و متنوعی استفاده می‌کردند تا هر طور شده از این طریق سنگی بر سر یا پای مجاهدین بخورد.

استفاده از عنوانی همچون «راه موسی»، «راه حنیف»، «راه مجاهد»، «گروهی از پیشمرگه‌ها»، «گروهی از هواداران» و «جناح پیشوپ» از همین قبیل و در همین راستا بود که البته هیچ‌یک به هیچ کجا نرسید و پس از مدتی محو شد. این عنوانی اغلب، محصولات «دانشگاه اوین» با مشاورت حسین شریعتمداری (سربدیر کنونی کیهان ارتقای) و یا محصول همکاران سپاه و اطلاعات آخوندها از قبیل رضا رئیسی، لطف‌الله میثمی، محمد محمدی و محصول بختکها و بریده‌مزدوران و میانه‌بازانی بود که در آن زمان تحت پوشش «کتابخانه منتظری» فعالیت می‌کردند. از یکسو دست در دست رژیم و سپاه و دادستانی داشتند و از سوی دیگر خود را دلسوز «جوانان فداکار» و «هواداران ناآگاه» جلوه می‌دادند که به خاطر استراتژی «رهبران ناصادق» مجاهدین، به گفته احسان طبری (از رهبران حزب توده) به «کژراهه» رفته بودند!

به عنوان مثال، چیزی به نام «پیروان راه موسی» در اطلاعیه‌هایی که سفارتهای رژیم در کشورهای مختلف توزیع می‌کردند یا به‌طور مستقیم از داخل ایران ارسال می‌شد.

با سوءاستفاده از نام سردار شهید خلق موسی خیابانی و اشرف شهیدان، تلاش می‌کرد «مجاهدین راستین» را به جای تهاجم و تمکز بر روی ارتقای خمینی، به مبارزه با «امپریالیست جهانخوار» فرابخواند و عملاً آنها را با خمینی و سپاه پاسداران علیه «استکبار جهانی» هم‌جبهه کند!

طبعاً در این اطلاعیه‌ها حداکثر تلاش به عمل می‌آمد تا فرهنگ مجاهدین را تداعی کند و آلدگی نویسنده‌گانش به رژیم و دادستانی و وزارت تازه‌تأسیس اطلاعات را پرده‌پوشی کند. به همین منظور گاه برای سفیدکاری و غلطاندازی علاوه بر شعار «مرگ بر امپریالیسم»، «شعار مرگ بر خمینی» هم در ذیل این اطلاعیه‌ها افزوده می‌شد.

«بهنام خدا و بهنام خلق قهرمان ایران و بهنام سرو ایستاده خلق»
«پس از ۴ سال که از شهادت موسی خیابانی، اشرف ریعی و همراهان دلاورشان می‌گذرد و در حالی که فشارهای زیونانه رژیم به اوج خود رسیده و هزاران رزنده مجاهد دیگر به راه موسی و اشرف رفت‌های متأسفانه مرکزیت سازمان ما با فرار از دامان خلق و تنها‌گذاشتن این توده صدیق به‌سوی امپریالیست جهانخوار غلتیده...».

«ما ضمن گرامیداشت ۱۹ بهمن سالروز حمامه‌آفرینی سردار کبیر خلق، بیزاری مجاهدین خلق ایران (پیروان راستین راه حنیف‌نژاد و سردار موسی) را از حرکتهای پراگماتیستی مرکزیت اعلام نموده و بر پایداری هرچه بیشتر مجاهدین در جهت نبرد رویارویی و قهرمانانه علیه رژیم ضدبشری خمینی تأکید می‌نماییم».

«رزنده‌گان و هواداران مجاهد خلق، با افشاءی حرکتهای پراگماتیستی رجوی، ابریشمچی و سایرین بر پایمردی خود در جهت مبارزه با امپریالیسم و سگهای زنجیریش بیفزایید و با تجهیز کلیه امکانات خلق، مجاهدین راستین (پیروان راه موسی) را در مبارزه با رژیم ضدبشری خمینی یاری دهید...».
«دروド بر موسی و اشرف»

قبل از این اطلاعیه هم، اطلاعیه دیگری خطاب به «برادر مجاهد مسعود رجوی، اعضای کمیته مرکزی و دفتر سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران» نوشته شده است که عمداً بدون ذکر تاریخ است. نویسنده یا نویسنده‌گان، خود را از همه امور مجاهدین مطلع جلوه می‌دهند. در حالی که در زمان نوشتن اطلاعیه‌شان، حتی از

پیشام خدای

پیشام خلیل پیوسان اسرار

پیشام موسی سر مجاهده خالق

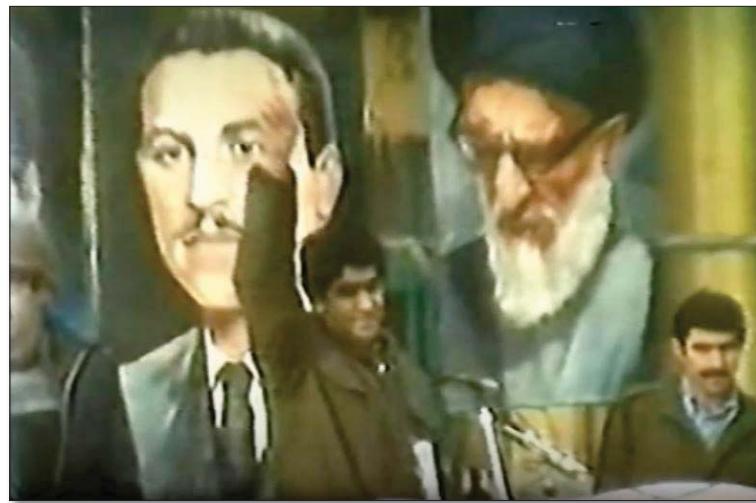
خالق قدریان ایران، هزاران و زندگان مجاهد

این بروجهارین سالکرد شهادت قدریان حسنه آفرين و ملاعنه بر اکثار شرب و تغوط قرار داریم، زندگانی که هریک اسطوره ماقوی شکری بودند و در میان به مایه سریع سرافراز دریان آنان بازار از تغوط دلیرانه نهیز

فرار کردند و همچنان ایستاده ماند...



انحلال دفتر سیاسی و کمیته مرکزی در آن زمان مطلع نبوده‌اند این اگر در زمان انتشار اطلاعیه مذبور، زیر آن تاریخ گذاشته می‌شد، تناقض بیرون می‌زد. به همین خاطر از ذکر تاریخ صرف‌نظر شده تا این تناقض پوشیده بماند.



در اطلاعیه این مزدوران تحت عنوان «سازمان مجاهدین خلق ایران، پیروان راه موسی» مجاهدین به همدستی با «آمریکای جهانخوار، طاغوت بزرگ جهان» و «عطش شدید» و «هولناک» برای «کسب قدرت» متهم می‌شوند.

از سوی دیگر مسعود رجوی در مصاحبه با یک «مجله اتریشی» در تشریح برنامه شورای ملی مقاومت به «کاپیتالیسم» گرویده و گفته است «ما مالکیت خصوصی و بازار و سرمایه‌داری ملی را می‌پذیریم» و «ما نه در حمله به سفارت آمریکا و نه گروگانگیری شرکت ندادستیم».

جالب این‌که برای ردگم کردن، پیروان موهوم «راه موسی» پیشاپیش خود را

گزارش مستند حمله به اشرف

«منتقد» هم جلوه می‌دهند و مجاهدین را بر حذر می‌دارند که مبادا در برخورد با آنها از «ترفند تشابه صوری» با مواضع رژیم خمینی علیه مجاهدین استفاده کنند. بلکه «با استدلال و منطق شایسته هر مجاهد، دلایل امور فوق و یا احیاناً سوءبرداشت و اشتباه و یا اجبار سازمان برای انجام این کارها و یا هر شکل و حالت دیگر را توضیح دهید».

اما دم خروس آن جا بیرون می‌زند که این قبیل اطلاعیه‌ها در همان زمان سریعاً در شکنجه‌گاههای تهران و شهرهای مختلف توزیع می‌شود. از سوی دیگر تهیه کننده اطلاعیه در عبارت پایانی، خود را «برادران دوستدار شما» معرفی کرده است تا دلسوزی و نصایح دلسوزانه و خیرخواهانه ایشان در «رونوشت به تمامی خلق قهرمان ایران و کلیه نیروها و شخصیتهای انقلابی» از یاد نرود!

نمونه دیگر، چیزی است به نام «راه مجاهد» که توسط لطف الله میشمی راه اندازی شده و آگهی آن آشکارا با موافقت اطلاعات آخوندی در شماره ۵ فروردین سال ۱۳۶۵ کیهان ارجاع، منتشر شده است.

۱۵۰

شنبه هیئت معاونین خلیل اران شماره ۲۵۴۰۷۳
ش. از روز ۱۷۸۰ به ویژگی های ممتاز و مندوبي پیشنهاد
کلیات ۲۷۸۰ تا ۲۷۸۵ تا به فرایند.

دانشگاه به این روش امکان دارد تا در میان افرادی که در این دانشگاه تحصیل می‌کنند، افرادی را که می‌توانند در این دانشگاه تحصیل کردند و افرادی را که نمی‌توانند در این دانشگاه تحصیل کردند پیدا کردد. این دانشگاه می‌تواند این امکان را فراهم کند تا در میان افرادی که در این دانشگاه تحصیل می‌کنند، افرادی را که می‌توانند در این دانشگاه تحصیل کردند و افرادی را که نمی‌توانند در این دانشگاه تحصیل کردند پیدا کردد.

سیاست‌گذاری موقوفه و پیمانه نهاد مسکن را همین ملک خواهد بینی کرد. هر چند این موقوفه امیرالامور شهادت رسمی صدور نموده و در این سیاست ملک خواهد بینی کرد.

از این طبقه شرکت‌های سازمانی و سازمان‌های خارجی از اقتصاد و مالیات محسوس نموده اند.

بررسی اثرات و پیشگیری از بیکاری و خودکشی طبقه‌بندی شده باشد. مطالعه اخلاق در زمینه‌های انسانی

برگز آن خود را در میان
میان دو شرکت ایرانی و خارجی
باشد. این دو شرکت ایرانی
با دو شرکت خارجی همکاری
نمایند. این دو شرکت خارجی
با همکاری ایرانی ها در این
زمینه کار خواهند کرد.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

Digitized by srujanika@gmail.com

ੴ ਸਤਿਗੁਰ

www.ijerpi.org

صدای سردار

میتینگ بزرگ انتخاباتی مجاهدین در دانشگاه تهران

دی ماه ۱۳۵۸ - دی و بهمن

در ۲۳ دیماه ۵۸ مجاهدین میتینگ انتخاباتی بزرگی در زمین چمن دانشگاه تهران ترتیب دادند. سردار شهید خلق موسی خیابانی در این میتینگ انتخاباتی اهداف مجاهدین از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را چنین بیان نمود:

(شعار مردم: ما همه حامی توییم مجاهد)

موسی: «... اگر ما اهل چانه‌زدن و اهل گذشتن از اصول بودیم، دیگر لزومی نداشت که ما این‌همه رنج، این‌همه جنگ اعصاب و این‌همه فشار تحمل کنیم. و اکنون هم که ما وارد این میدان شده‌ایم، می‌دانید که قاعده‌تاً برای ما فشارهای دیگری به دنبال خواهد داشت، که شما آثار آن را همین الان هم مشاهده می‌کنید، باز ما حاضر به گذشتن و عدول از اصول خودمان نخواهیم بود. طبیعی است که ما بر حسب مسئولیتها و وظایفمان وارد این صحنه شده‌ایم و نه از روی جاهطلبی. ما اگر اهل جاهطلبی بودیم، درها به روی ما بسته نبود. ما اگر اهل جاهطلبی بودیم، اکنون این‌همه "منافق" نثار ما نمی‌شد. (شعار یک نفر از جمعیت: درود بر سازمان مجاهدین)

ما می‌دانیم چه کار می‌کنیم. ما کور حرکت نمی‌کنیم. ما معنی حرفمن را می‌فهمیم. ما راه درست را از انحراف تشخیص می‌دهیم. ما اهل تبلیغات دروغین و توخالی نیستیم. هیچ نیروی انقلابی چنین کاری نمی‌کند و ما همه اینها را از درون ۱۴ سال مبارزه بیرون آورده‌ایم. اما در این مدت که به آزمون فعلی منجر شده است. به آزمونی که ما عرض کردم در آن وارد شدیم و برادرمان مسعود را به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری نامزد کردیم». (شعار مردم: رجوی، رجوی، رئیس جمهور ما!)

ما شایسته‌ترین، برجسته‌ترین، ما صالحترین فردی را که به نظرمان می‌رسید

از روی همان احساس مسئولیتی که داشتیم، نامزد کردہ‌ایم. در مصاحبه‌یی که داشتیم من عرض کردم، که این کار برای ما مشکل است که بتوانیم از خودمان از اعضا یمان و از سازمانمان تعریف و تمجید کنیم؛ ولی بعضی وقتها، مسئولیت‌ها اقتضا می‌کند که واقعیت گفته شود. در تمام این مدت ۱۴ سال برادرمان مسعود از همان اوایل بنیانگذاری سازمان، از اوایل سال ۴۶، در کوران این مبارزات بوده است، از نزدیک و در بالاترین سطح، با تمام تجرب سازمانی ما آشنا بوده و آشنایست. مسعود تنها باقی‌مانده کادر مرکزی سازمان پیش از سال ۵۰ است. به لحاظ ایدئولوژیک که رسالت ویژه سازمان ما بود، یک فرد صاحب‌نظر مکتبی است. در گروه ایدئولوژی سازمان در کنار شهید حنیف‌نژاد، به کار تحقیق و تدوین ایدئولوژی مشغول بود و بعد از ۵۰، ضمن ۷ سال و نیم تحمل شکنجه و زندان، رسالت مبارزاتی خود را در زندان دنبال نموده است. در این سالها می‌توانم به جرأت بگویم که بیشترین فشارها را تحمل کرده و به خصوص بعد از سال ۵۳ بعد از ضربه اپورتونیست‌ها، بیشترین فشارها و سختیها را تحمل کرده تا از میراث ایدئولوژی سازمان که در معرض تهدید و خطر قرار گرفته بود، حراست کند. بنابراین به علت عبور از این کوران مبارزاتی، او معنی حرفه‌ایش را می‌فهمد. اگر برنامه‌یی دارد، معنی این برنامه را می‌فهمد و به الزامات و مشکلات پیاده‌شدن این برنامه وقف است.

سازمان ما افتخار می‌کند که در پیگیری خطوط انقلابی و مبارزاتی خودش در این مرحله شایسته‌ترین فرد خود را به عنوان نامزد ریاست جمهوری به خلق قهرمانمان معرفی کند.

بنابراین من از همه شما می‌خواهم که اگر به این خطی که به اختصار تشریح کردم، اعتقاد داشته باشید، هرچه فعالتر با تمام قدرت و توان در این میدان وارد شوید. در میدان مبارزه برای انتخابات ریاست جمهوری. صحبت اصلی مال برادرم مسعود است. من صحبتم را تمام می‌کنم. انقلاب مال شماست. بار اصلی انقلاب را شما به دوش کشیده‌اید. آنهایی را که سر سفره‌های حاضر و آماده آمده‌اند، کاری به آنها نداریم. آنهایی که بار اصلی انقلاب را به دوش کشیده‌اند، انقلاب

گزارش مستند حمله به اشرف

مال آنهاست. انقلاب مال نسل جوان جامعهٔ ماست. سازمان ما، سازمان مجاهدین هم مال شماست. تا حالا با حمایت شما روی پای خودش ایستاده است. شما بودید که وقتی ستاد ما مورد حمله قرار گرفت، در پیرامون آن جمع شدید، دیوار گوشتی انسانی دورش ایجاد کردید. سازمان ما مال شماست. گفتم هیچ سازمانی نمی‌تواند جدا از توده‌های اجتماعیش به حیات خودش ادامه بدهد و مسعود کاندید شماست و آینده، آینده مال شماست. به این نکته ایمان داشته باشید. یقین داشته باشید که آینده مال شماست. آینده مال انقلابیون است. نیروهای میرا از صحنه حذف خواهند شد. پیروز باشید!».



اکلون می توایم بگویم که مجا هد خلق که پلاخا ظ اید یولویک دشکست تاپ بیدروی
اکتون دن چریلها ظ سا زمانی نیز نبین رفتگی نیست «پلاخا ظ شکلایات ما همچنان
آن چوهرگرانهای ویس مانندی را که در رطی سالهای دن را زند است اوره ایم داریم و
حتی مکثتر از همینه «منظوم وحد و انسجام شکلایات است «طیور صدر
مشکل و رواه بر پشتگتی که طی کرد ه ایم و تصمیمات خطیری که اتخاذ نموده ایم،
همان تصمیماتی که بقول خودت هریک از آنها کافی بود یک سا زمان راد چار شدت و
چند سئش و انشباب کند و بحودت و انسجام شکلایات ما گفتار یعن خد شه ای
و رخته ای برند اشته است *

صدای سردار خیابانی گزارش ۶ ماهه مبارزه انقلابی مسلحانه

۱۳۶۰ آذر ۳۰

«اکنون می‌توانیم بگوییم که مجاهد خلق که قبلاً به لحاظ ایدئولوژیک بالنده و شکستناپذیر بود، اکنون دیگر به لحاظ سازمانی نیز از بین رفتنی نیست. به لحاظ تشکیلاتی ما همچنان آن گوهر گرانبهای و بی‌مانندی را که طی سالیان دراز به دست آورده‌ایم، همچنان داریم و حتی محکمتر از همیشه؛ منظورم وحدت و انسجام تشکیلاتی مان است. علیرغم مسیر مشکل و راه پرمشقتوی که طی کرده‌ایم و تصمیمات خطیری که اتخاذ نموده‌ایم؛ تصمیماتی که به قول برادرمان مسعود، هر یک از آنها کافی بود تا یک سازمان را دچار تشتت و چندستگی و انشعاب کند؛ وحدت و انسجام تشکیلاتی ما کمترین خدشه و رخنه‌یی برنداشته. یادت هست که در ۳۰ خرداد در حضور خودت تصمیم گرفتیم که حتی اگر ما یک عاشورا در پیش داشته باشیم و تمام سازمان را نیز فدا و قربانی کنیم نباید در روز موعود در تعهداتی که در قبال خلق و انقلاب داریم درنگ و تردید کنیم و خدای نکرده به سرنوشت حزب توده دچار شویم. اما ما اکنون در شرایطی هستیم که از آن آزمایش تاریخی با موفقیت گذشته‌ایم و از این نظر برای همیشه اصالت و سربلندی خود را در تاریخ ثبت کرده‌ایم.

قهرمانیهای همین عماهه گذشته واقعاً سراسر حماسه و اعجاب‌انگیز است. انرژی متكافف سالیان زندان، به یکباره در فضایی مستعد منفجر شد و مجاهد خلق را به اسطوره و افسانه‌یی بدل نمود و در نوک پیکان ترقیخواهی و حرکت انقلابی این میهن و شاید همچنان که آینده ثابت خواهد کرد تمام جهان قرار خواهد داد. وقتی چشم را از این گذشته سراسر رنج و تلاش شکوه و عظمت به آینده برگردانیم قاعده‌تاً چیزی جز پیروزیهای باز هم بزرگتر در طریق انجام رسالت‌های عظیمتر نخواهیم دید که انشالله خداوند ما را بدین‌همه شایسته گرداند و تو را هم که در این جریان غرورآفرین، نقش تعیین‌کننده و نقش رهبری داشته‌ای برای سازمان و مردم ما حفظ کند.

به امید دیدار، قربانت موسی ۱۳۶۰ آذر ۳۰



شماره ۱۷۹

میوری پژوهی و قایع سیاسی و تاریخی مجاهدین در دوران حکومت خسروی

صدای سردار

آخون نویسنده: ملک موسی طباطبائی

مقدمه کوتاهی بـ"صدای سردار"
نظامی برادر مجاهد، مسعود رجوی



این صدای غیرمأجوب من موسی است که از شنیدن
حسته‌های نظرم، صدای سردار اشید حق و آزادی است. آخرین نوار
گنبد فرماده بـ"برای کجا هست" پرسید اما زمان و جیش را نیز برادر
پنهان نموده علی خوشیان:

«... موسی این نوار را با جذبه و دشمنی از شهادتش فضیل کرد. اور تصور پر قلمروی فاطمه زان
آنها، پیغمبری داشتند و حال نگیری داشت. این‌ها اتفاق را داشت مطلب خوش برادر را در نزدی
یک عذر گفچانه، ولی باورت زدن تا پیش حدود خدا نشاند و چنان‌که از همین ارزیابی و
مرزوکی پنهانی و اندیشه‌های روحیه‌ای مرصدهای عوایی سازمان، گوئی نمی‌توانست همان‌ها می‌داند
شها را شفیده و خوبیت سبارزه سلاسل از تقدیم اسرا زبان و حیثیت سرگذش همیش و
پروردی و پیغمبری حق را بین این خوش نمایند و مدد و معاون خود قش آنها امیر شوند....
الات از درباره خاطرات آن روزگار و حالات اور اراده‌های اش و مادر و عال ارا باید تاری
این نوار را بیش از هر چیزی سترانم برآورد و ای اکبر و ای احمد و ای ابراهیم بزرگشان نهیم
نماید و دو قیمت‌های خود راست، بقیر کنم....»

پائیز سرتیپ دریایی و لژون نوار را درین نوش اگرچه خواهیان و پسر اراده که اصل نوار را را
اختیار نداورند، گرفت با متنی دنبیخ چه هایگه بگوییه باشان و اگر می‌شی "پرورد و لش".

برادران مسعود

صدای سردار

آخرین پیام در ایام قبل از شهادت

«با توجه به حرکات سیاسی سازمان از فردای ۲۲ بهمن؛ در مقابل موضع و حرکات و عملکردهای رژیم و رویکردهای جامعه، مجموعاً در فردای ۳۰ خرداد به نقطه‌یی رسید که ما از ورود در مبارزه قهرآمیز ناگزیر بودیم. یعنی این نقطه را ما به تنها یی و از پیش خودمان؛ از روی گراشها و تمایلات ذهنی مان تعیین نکردیم، بلکه مجموعه تحولات ۲/۵ ساله جامعه آن را رقم زد و بهخصوص این خود ارجاع بود که آن را تعیین نمود و ما در آن نقطه فقط در معرض یک انتخاب قرار گرفتیم. این انتخاب در واقع انتخابی بود بین تسليم‌شدن به ارجاع و رها کردن مردم و انقلاب و دست‌شستن از اصول و ارزشها و آرمانهای سازمان و یا رویارویی قهرآمیز با ارجاع.

در این زمان، جلسات ایدئولوژیک، کلاس‌های ایدئولوژیک برادرمان مسعود هر هفته در دانشگاه شریف برگزار می‌شد که در آن ۱۰ هزار نفر با کارت شرکت می‌کردند. بدون شک این بزرگترین کلاس ایدئولوژیک؛ بزرگترین کلاس بحث‌های ایدئولوژیک و فلسفی در تاریخ میهن ما بود و معلوم بود که ارجاع نمی‌توانست نسبت به این مسئله نظر خوش و مساعدی داشته باشد و از آن بهشت در خشم و هراس نباشد. به‌حال بحث ایدئولوژی توسط ما در جوهر خود هجومی بود به ایدئولوژی ارجاع و درجهٔ نفی آن.

امجدیه ۲۹ خرداد ۵۹ اجتماع عظیم مجاهدین در میان صفير گلوله‌ها و زیر باران سنگ و گاز اشک‌آور، لکن تحت حفاظت میلیشیا و سخنرانی برادرمان مسعود که "چه باید کرد" و در همین سخنرانی بود که مسعود فریاد کشید که "وای به روزی که مشت را با مشت و گلوله را با گلوله پاسخ دهیم". میلیشیا باز هم حمامه‌یی آفرید؛ به ارجاع لجام گسیخته لجام زدند و چمقداران ارجاع را گوشمالی دادند. برادرمان مصطفی ذاکری در اثر گلوله پاسداران در این جریان به شهادت رسید. بعدها در چهارم تیرماه ۵۹ این به‌اصطلاح امام و رهبر و مرجع تقلید، آن لاطائفات

تاریخی و دروغهای شاخدار را علیه سازمان ردیف کرد اما راستی چه کسی می‌توانست چنان تهمتها و دروغهای بیشترمانه‌بی را بپذیرد و چنین بود که امام شیاد چمقداران در مصاف با مجاهدین باز هم مجبور می‌شد از عرش به‌اطلاع امامت و رهبری کذايی خود به‌زیر آید؛ و ماهیت پلید ارجاعی و چهره عوام‌غريب و دروغگوی خود را آشکار نماید و خودرا به ابتدال و رسوایی بکشد...
خب در برابر رژیمی فریبکار که اگر یادتان باشد زمانی برادرمان مسعود آن را یکی از مهمیبترین نیروهای تاریخ ایران شمرده بود و با چنین فضا و معادلات سیاسی و بین‌المللی، ما به تنها یی مبارزه‌بی چنین سهمگین را پیش می‌بریم و درخشنان‌ترین صفحات تاریخ می‌همنمان را می‌نویسیم و در پی دگرگونی عظیم و نوینی در تاریخ بشر هستیم. بی‌گمان چنین نبردی و تحقق چنین رسالتی خون و قربانی زیادی می‌طلبد و از این نظر شهدا یی که ما تاکنون در این راه تقدیم کرده‌ایم، به‌هیچ‌وجه زیاد نیست».

